

فصلنامه علمی - تخصصی فرهنگ پژوهش

شماره ۳۰، تابستان ۱۳۹۶، ویژه تاریخ اسلام

بررسی تطبیقی شخصیت رسول اکرم ﷺ از دیدگاه امیرالمؤمنین علیؑ

تاریخ دریافت: ۹۶/۰۱/۲۵

تاریخ تأیید: ۹۶/۰۳/۱۲

محمد مهدی نیکی*

چکیده

نوشتار حاضر از دیدگاه امیرالمؤمنین علیؑ به ابعاد مختلف شخصیتی پیامبر اکرم ﷺ می پردازد. در این نوشتار با روش توصیفی شخصیت پیامبر اکرم ﷺ از دیدگاه امیرالمؤمنین علیؑ - کسی که نزدیکترین فرد به رسول اسلام ﷺ و برجستهترین شاگرد مکتب او است - مورد بررسی قرار گرفته است و نتیجه به دست آمده این است که امیرالمؤمنین علیؑ پیامبر اسلام ﷺ را فردی معرفی می کند که دارای یک شخصیت فوق العاده فردی و اجتماعی است که بهترین الگو است؛ و باید این طور باشد زیرا از دیدگاه امیرالمؤمنین علیؑ، پیامبر ﷺ برای اینکه بتواند به خوبی وظیفه هدایت امت را به انجام برساند باید از خصوصیات و شخصیت ویژه ای بهره ببرد.

واژه های کلیدی: امیرالمؤمنین علیؑ، پیامبر اکرم ﷺ، شخصیت اجتماعی پیامبر اکرم ﷺ، شخصیت فردی پیامبر اکرم ﷺ.

* دانش آموخته کارشناسی ارشد تاریخ اسلام دانشگاه باقرالعلوم علیؑ.

مقدمه

پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ شخصیتی است که مخاطب به خطاب «خُلِقَ عَظِيمٌ»، «سراج منیر»، «مبشر» و «نذیر» است و از طرفی همان طور که قرآن کریم می‌فرماید نبی گرامی اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اسوه حسنه و الگوی مناسب برای همه انسان‌ها در همه اعصار است، پس باید در پی شناخت آن شخصیت عالی مقام و فرستاده الهی بود و بهترین فردی که می‌تواند عهده‌دار این امر شود علی عَلِيٌّ است زیرا نزدیک‌ترین فرد به رسول گرامی اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و عالم‌ترین در شناخت آن حضرت است. شخصیت هر فردی را می‌توان از جهت فردی و اجتماعی مورد بررسی قرار داد بنابراین شخصیت فردی و اجتماعی پیامبر اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ از دیدگاه امام علی عَلِيٌّ مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۱- شخصیت فردی حضرت محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

۱-۱- برنامه‌ریزی

امیرالمؤمنین علی عَلِيٌّ در مورد این ویژگی حضرت می‌فرماید: «وکان اذا اوی الی منزله جرّء دخوله ثلاثة اجزاء جزء لله عز و جل و جزء لاهله و جزء لنفسه» حضرت وقتی به خانه می‌آمد وقتش را به سه بخش تقسیم می‌کرد:

یک بخش را برای خداوند قرار می‌داد یعنی زمانی را برای عبادت و راز و نیاز باخدای خویش اختصاص می‌داد. بخش دیگر را به خانواده اختصاص می‌داد و در این زمان به خانواده و مسائل مربوط به آنان می‌پرداخت و بخش سوم نیز مربوط به خود حضرت بود یعنی به امور اجتماعی و شخصی خودش می‌رسید. (ابن بابویه، ۱۴۰۳ ق، ص ۸۱)

۱-۲- اولویت بندی

امام علی علیه السلام در این مورد می فرماید: «ثم جزء جزءه بینه و بین الناس فیرد ذلك بالخاصة علی العامه» (ابن بابویه، ۱۴۰۳، ق، ص ۸۱) اهل لغت در مورد این کلام دو معنا ذکر کرده اند:

الف: پیامبر ﷺ وقت مخصوص خودش را بین خودش و مردم تقسیم می کرد و در این وقت مطالب را به اصحاب خاص می گفت و آنان به دیگران منتقل می کردند.

ب: پیامبر ﷺ وقت مخصوص خودش را بین خودش و مردم تقسیم کرده بود و ابتدا جلسه با اصحاب خاص خود برقرار می گذاشت و سپس با توده مردم جلسه داشت. (ابن اثیر، ۱۳۶۷، ش، ج ۳، ص ۳۰۳)

۱-۳- پرهیز از بیهوده گویی

پیامبر ﷺ سخنی که به آن نیاز نبود نمی فرمود. امیرالمؤمنین علی علیه السلام در این مورد می فرماید: «كان رسول الله ﷺ یخزن لسانه الا عما یعینه» پیامبر ﷺ زبانش را کنترل می کرد و جزء در مواردی که سودمند بود سخن نمی فرمود. (ابن بابویه، ۱۴۰۳، ق، ص ۸۲)

۱-۴- رعایت احتیاط همراه با اخلاق پسندیده

رسول اکرم ﷺ در عین رعایت احتیاط، با همه روابط اخلاقی پسندیده ای داشت. علی علیه السلام در مورد این ویژگی پیامبر می فرماید: «و یحذر الناس و یحترس منهم من غیران یطوی عن احد بشره و لا خلقه» از مردم پرهیز می کرد و خود را از آنان نگه می داشت بدون اینکه گشاده رویی و اخلاق پسندیده خود را از کسی دریغ کند. (ابن بابویه، ۱۴۰۳، ق، ص

۱-۵- میانه‌رو بودن

حضرت از افراط و تفریط اجتناب می‌کردند و در کارها میانه‌رو بودند و این روش همیشگی آن حضرت بود. امام علی علیه‌السلام در این مورد می‌فرماید: «معتدل الأمر، غیر مختلف» میانه‌رو بود و این روش را تغییر نمی‌داد. (ابن بابویه، ۱۴۰۳ ق، ص ۸۲)

۱-۶- مراقبت پیوسته

حضرت به همه مسائل توجه می‌فرمود تا اینکه مبدا بی‌توجهی او باعث بی‌توجهی یا خستگی دیگران شود. امام علی علیه‌السلام این ویژگی را این‌طور بیان می‌فرماید: «لا یغفل مخافة أن یغفلوا أو یملوا» غفلت نمی‌کرد که مبدا دیگران غفلت کنند یا آنکه خسته شوند. (ابن بابویه، ۱۴۰۳ ق، ص ۸۲)

۱-۷- حق‌گرا بودن

حضرت همیشه بر محور حق حرکت می‌کرد فرقی نمی‌کرد به نفع یا ضرر او باشد. علی علیه‌السلام این ویژگی را چنین بیان می‌فرماید: «لا یقصر عن الحق و لا یجوزه» از حق کوتاه نمی‌آمد و از آن تجاوز هم نمی‌کرد. (ابن بابویه، ۱۴۰۳ ق، ص ۸۲)

۱-۸- نرم‌خو، خوش‌رو و آسان‌گیر بودن

امام علی علیه‌السلام این‌گونه به ذکر این ویژگی می‌پردازد: «کان دائم البشر، سهل الخلق، لین الجانب» او همیشه خوش‌رو، آسان‌گیر و نرم‌خو بود. (ابن بابویه، ۱۴۰۳ ق، ص

۹-۱- نادیده گرفتن

حضرت نسبت به بعضی از امور تغافل می‌کردند و از روی علم و آگاهی نسبت به آن بی‌توجه بودند. امام علی علیه السلام در این مورد می‌فرماید: «یتغافل عمّا لا یشتهی» از آنچه خوشایندش نبود، تغافل می‌کرد. (ابن بابویه، ۱۴۰۳ ق، ص ۸۳)

۱۰-۱- رها کردن کارهای بیهوده

حضرت بعضی از کارهایی که دارای منفی برای دنیا و آخرت او نبود رها کرده بود و در نتیجه از پیامدهای منفی این نوع کارها نیز در امان بود.

امیرالمؤمنین علی علیه السلام این ویژگی را این‌طور بیان می‌فرماید: «قد ترک نفسه من ثلاث: المراء و الإكثار و ما لا یعنیه» حضرت سه مورد را رها می‌کرد مورد اول مجادله بود «المراء» عبارت است از بگومگو بعد از روشن شدن حق، به گونه‌ای که طرف مقابل بالینکه حق برای او روشن شده است آن را نپذیرد. مورد دوم زیاده‌خواهی است حضرت هرگز زیاده‌خواه نبود. مورد سوم نیز رها کردن امور بی‌اهمیت است حضرت اموری را که سودمند نبود رها می‌کرد و به آن نمی‌پرداخت. (ابن بابویه، ۱۴۰۳ ق، ص ۸۳)

۱۱-۱- سخاوتمندترین بودن

حضرت علی علیه السلام در مقام بیان این ویژگی می‌فرماید: «اجودهم کفا» بخشنده‌ترین مردم بود. (طوسی، ۱۴۱۴ ق، ص ۳۴۱)

۱۲-۱- شجاع بودن

امیرالمؤمنین علی علیه السلام می‌فرماید: «کنّا إذا احمرّ البأس و لقی القوم القوم، إتقینا برسول الله؛ فما یكون احد اقرب الی العدو منه» ما وقتی آتش جنگ برافروخته می‌شد و دو

طرف درگیر می شدند به پیامبر ﷺ پناه می بردیم و حضرت نزدیکترین فرد ما به دشمن بود. (طبرسی، ۱۳۷۰ ش، ص ۱۸)

۱-۱۳- امین بودن

این ویژگی حضرت مورد اعتراف دوست و دشمن است و قبل از پیامبری نیز بر او اطلاق می شد. امام علی علیه السلام در این مورد می فرماید: «أَمِينٌ وَحِيَهُ» پیامبر ﷺ امانت دار نسبت به وحی بود. (شریف الرضی، ۱۴۱۴ ق، ص ۲۴۷)

۱-۱۴- همیشه در حال ذکر خدا بودن

امیرالمؤمنین علی علیه السلام در مقام بیان این ویژگی می فرماید: «كَانَ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ»: لا يجلس ولا يقوم الا على ذكر الله - جل اسمه - رسول خدا ﷺ چنین بود که نمی نشست و بر نمی خاست مگر آنکه در حال ذکر و یاد خدا بود. (طبرسی، ۱۳۷۰ ش، ص ۱۴)

۱-۱۵- جای مخصوص نداشتن

حضرت برای نشستن جای مخصوصی را برای خود در نظر نمی گرفت و دیگران را نیز از انجام این عمل نهی می فرمود. امام علی علیه السلام در این باره می فرماید: «ولا يوطن الاماكن وينهى عن ايطانها» جایی را به عنوان اقامت و جای مخصوص برای خود در نظر نمی گرفت و دیگران را نیز از این کار بازمی داشت. (ابن بابویه، ۱۴۰۳ ق، ص ۸۲)

۱-۱۶- نشستن در جای خالی

حضرت وقتی وارد مجلس می شد هر جا که خالی بود می نشست و به دیگران نیز می فرمود همین کار را انجام دهند. علی علیه السلام در این مورد می فرماید: «و اذا انتهى الى قوم

جلس حیث ینتهی به المجلس و یا امر بذلک» وقتی به مجلسی وارد می شد جایی می نشست که نشستن افراد آنجا پایان یافته و دیگران را هم به این عمل امر می نمود. (ابن بابویه، ۱۴۰۳ ق، ص ۸۲)

۱-۱۷- توجه به همه حاضران مجلس

پیامبر ﷺ همه حاضران در مجلس را به طور یکسان مورد توجه قرار می داد به گونه ای که هیچ کس احساس نمی کرد که رسول اکرم ﷺ به او توجه بیشتری دارد. حضرت علی علیه السلام در این مورد می فرماید: «و یعطى کلّ جلسائه نصیبه و لا یحسب أحد من جلسائه أنّ أحداً أكرم علیه منه» در توجه، همه هم نشینانش را مورد عنایت قرار می داد به گونه ای که هیچ کس از هم نشینان او تصور نمی کرد که دیگری بر او برتری دارد. (ابن بابویه، ۱۴۰۳ ق، ص ۸۲)

۱-۱۸- صبور بودن در هم نشینی

از ویژگی های رسول خدا ﷺ این بود که اگر کسی با حضرت هم نشین می شد حضرت این هم نشینی را بر هم نمی زد بلکه صبر می کرد تا او جدا شود. امام علی علیه السلام در مقام بیان این ویژگی می فرماید: «من جالس صابره حتی یکون هو المنصرف عنه» هر کس با آن حضرت هم نشین می شد، آن حضرت به اندازه ای صبر می کرد تا آن شخص از ایشان جدا شود. (ابن بابویه، ۱۴۰۳ ق، ص ۸۲)

۱-۱۹- همراهی با دیگران

پیامبر ﷺ همانند مردم بود و خود را جدا از مردم نمی دانست بنابراین اگر وارد مجلسی می شد با حاضران در خندیدن و تعجب کردن همراهی می کرد. علی علیه السلام در مقام

بیان این ویژگی می‌فرماید: «یضحک مما یضحکون منه و یتعجب مما یتعجبون منه» از آنچه آنان می‌خندیدند او نیز می‌خندید و از آنچه آنان را شگفت زده می‌ساخت او هم در شگفت می‌شد. (ابن بابویه، ۱۴۰۳ ق، ص ۸۳)

۱-۲۰- شکیبایی در مقابل خشونت دیگران

رسول مکرم اسلام ﷺ شخصیتی بود که اگر شخصی در طرح خواسته‌اش یا سبک گفتن، رفتاری خشن داشت او را تحمل می‌کرد و اگر اصحاب می‌خواستند جلوی او را بگیرند و او را بیرون کنند آنان را نهی می‌کرد.

امام علی علیه‌السلام در این مورد می‌فرماید: «و یصبر للغریب علی الجفوة فی المسألة و المنطق حتی إن کان أصحابه لیستجلبونهم و یقول: إذا رأیتم حاجه یطلبها فاردوه» در برابر خشونت بیگانه در طرح خواسته‌اش یا در طرح گفتارش صبر می‌کرد و حتی اگر یاران او می‌خواستند او را از مجلس بیرون ببرند می‌فرمود: هرگاه نیازمندی را دیدید که خواسته‌ای دارد، شما هم او را یاری کنید. (ابن بابویه، ۱۴۰۳ ق، ص ۸۳)

۱-۲۱- قطع نکردن سخن دیگران

امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام در بیان این ویژگی می‌فرماید: «ولا یقطع علی أحد کلامه حتی یجوز فیقطعه بنهی أو قیام» سخن کسی را قطع نمی‌کرد تا تمام شود سپس با جدا شدن یا برخاستن به گفتار پایان می‌داد. (ابن بابویه، ۱۴۰۳ ق، ص ۸۳)

۱-۲۲- فریاد نکردن

رسول خدا ﷺ به آرامی سخن می‌گفت و فریاد نمی‌زد. امام علی علیه‌السلام در مقام بیان این ویژگی می‌فرماید: «ولا صخاب» او فریاد نمی‌زد. (ابن بابویه، ۱۴۰۳ ق، ص ۸۳)

۱-۲۳- فحش ندادن

امیرالمؤمنین علی علیه السلام این ویژگی را این طور بیان می فرماید: «ولا فحاش» او ناسزا نمی گفت. (ابن بابویه، ۱۴۰۳ ق، ص ۸۳)

۱-۲۴- عیب جو نبودن

امام علی علیه السلام این ویژگی را چنین بیان می کند: «ولا عیاب» حضرت عیب جو نبود. (ابن بابویه، ۱۴۰۳ ق، ص ۸۳)

۱-۲۵- زیاد شوخی نکردن

پیامبر صلی الله علیه و آله در گفتار زیاد شوخی نمی کرد و در مواردی که شوخی می کرد شوخی های او از حق تجاوز نمی کرد. امام علی علیه السلام در این مورد می فرماید: «ولا مزاح» او زیاد شوخی نمی کرد. (ابن بابویه، ۱۳۷۸ ق، ج ۱، ص ۲۹۱)

۱-۲۶- زیاد ستایش نکردن

پیامبر صلی الله علیه و آله بی مورد از دیگران ستایش نمی کرد و در مواردی که ستایش می کرد به اندازه بود. علی علیه السلام این ویژگی را این طور بیان می فرماید: «ولا مداح» زیاد ستایشگر نبود. (ابن بابویه، ۱۴۰۳ ق، ص ۸۳)

۱-۲۷- اندازه گیر بودن

پیامبر صلی الله علیه و آله در نگاه کردن و گوش دادن به سخنان اهل مجلس، اندازه گیر بودند و مساوات را رعایت می کردند. امام علی علیه السلام در مقام بیان این خصوصیت می فرماید: «فاما

التقدير ففی تسويه النظر والاستماع بين الناس» اما مساوات و تساوی را در نگاه کردن به اهل مجلس و گوش دادن به مردم، رعایت می‌کرد. (ابن بابویه، ۱۴۰۳ ق، ص ۸۳)

۱-۲۸- اندیشیدن هدفمند

امیرالمؤمنین علی علیه السلام در این مورد می‌فرماید: «و أما تفکره ففی ما یبقی او یفنی» اما تفکر او درباره چیزی بود که ماندگار یا نابود شدنی بود. (ابن بابویه، ۱۴۰۳ ق، ص ۸۳)

۱-۲۹- بردباری و شکیبایی

امام علی علیه السلام این ویژگی را چنین بیان می‌کند: «و جمع له الحلم و الصبر فکان لا یغضبه شیء و لا یستقره» حضرت کانون بردباری و شکیبایی بود به همین خاطر هیچ چیز باعث خشم و تحریک او نمی‌شد. (ابن بابویه، ۱۴۰۳ ق، ص ۸۳)

۱-۳۰- انجام هدفمند کار نیک

امیرالمؤمنین علی علیه السلام در مقام بیان این ویژگی می‌فرماید: «اخذہ بالحسن لیقتدی به» کار نیک را انجام می‌داد تا دیگران به او اقتدا کنند. (ابن بابویه، ۱۴۰۳ ق، ص ۸۳)

۱-۳۱- پرهیز هدفمند از کار زشت

امام علی علیه السلام در این مورد می‌فرماید: «و ترکہ القبیح لینتهی عنه» کار زشت را ترک می‌کرد تا دیگران انجام ندهند. (ابن بابویه، ۱۴۰۳ ق، ص ۸۳)

۱-۳۲- تلاش هدفمند

امیرالمؤمنین علی علیه السلام در بیان این ویژگی می‌فرماید: «و اجتهاده فیما أصلح امته و القيام فیما جمع لهم خیر الدنیا و الآخرة» درباره اصلاح امت خود تلاش می‌کرد و نسبت به آنچه خیر دنیا و آخرت را برای امت فراهم می‌آورد اقدام می‌فرمود. (ابن بابویه، ۱۴۰۳ ق، ص ۸۳)

۱-۳۳- بی توجه به دنیا

امیرالمؤمنین علی علیه السلام در این مورد می‌فرماید: «قد حقر الدنیا و صغرها و أهونها و هونها و علم أن الله زواها عنه اختیارا و بسطها لغيره احتقارا، فأعرض عن الدنیا بقلبه و امات ذکرها عن نفسه و أحب أن تغیب زینتها عن عینه، لکیلا یتخذ منها ریاشا او یرجو فیها مقاما» دنیا را خوار دید و کوچکش شمرد، سبکش گرفت و آن را هیچ انگاشت و دانست که خدا دنیا را از او گرفت چون چنین خواسته بود و به دیگران داد چون خوار بود، پس رسول خدا صلی الله علیه و آله از دنیا رو برگردانید و یاد آن را در خاطر خودش میراند و دوست داشت که زینت دنیا از دیده‌اش پنهان شود تا از آن لباسی گران‌بها نگزیند و امید ماندن در دلش نشیند. (شریف الرضی، ۱۴۱۴ ق، ص ۱۶۲)

در جای دیگر حضرت در این مورد می‌فرماید: «قضم الدنیا قضا و لم یعرها طرفا أهضم أهل الدنیا کشحا و أخصهم من الدنیا بطننا عرضت علیه الدنیا فأبی أن یقبلها» از دنیا چندان نخورد که دهان را پر کند و بدان ننگریست چندان که گوشه چشم به آن افکند. دوپهلوی از همه مردم دنیا لاغرتر بود و شکم او از همه خالی‌تر. دنیا را به او نشان دادند ولی او نپذیرفت. (شریف الرضی، ۱۴۱۴ ق، ص ۲۲۸)

۱-۳۴- خاکي بودن

اميرالمؤمنين علي عليه السلام در مقام بيان اين ويژگي مي فرمايد: «ولقد كان عليه السلام يأكل علي الأرض ويجلس جلسة العبد ويخصف بيده نعله ويرقع بيده ثوبه ويركب الحمار العاري ويردف خلفه» پیامبر صلى الله عليه وآله روی زمین غذا می خورد و چون بندگان می نشست و با دست خود کفش خود را پینه می بست و جامه اش را وصله می نمود و بر الاغ برهنه سوار می شد و دیگری را بر ترک خود سوار می کرد. (شريف الرضى، ۱۴۱۴ ق، ص ۲۲۸)

در جای دیگر حضرت می فرماید: «كان حبيبي محمد صلى الله عليه وآله يعقل البعير ويعلف الناضح ويحلب الشاة ويرقع الثوب ويخصف النعل» محبوب من محمد صلى الله عليه وآله چنين بود که با دست خود شتر را می بست و شتر آبکش را علف می داد، گوسفند را می دوشید، پيراهن را می دوخت و کفش خود را پینه می بست. (محمودي، بی تا، ج ۱، ص ۷۸)

در جای دیگر در اين مورد حضرت می فرماید: «كان لباسه العباء وطعامه خبز الشعير ووسادته الأدم محشوة بليف النخل» لباسش عبا بود و غذایش نان جو و متکا و بالشت او از پوست نی بود که داخل آن، برگ درخت خرما بود. (محمودي، بی تا، ج ۱، ص ۷۸)

۱-۳۵- همیشه آماده

یکی از خصوصيات رسول خدا صلى الله عليه وآله آماده به کار بودن و دارای طرح و برنامه برای کارها بود.

اميرالمؤمنين علي عليه السلام در اين باره می فرماید: «لكل حال عنده عتاد» او برای هر کاری طرح و برنامه داشت. (طبرسي، ۱۳۷۰ ش، ص ۱۴)

۲- شخصیت اجتماعی پیامبر ﷺ

۱-۲- الگوی کامل بودن

امیرالمؤمنین علی علیه السلام در این مورد می‌فرماید: «و لقد کان فی رسول الله ﷺ کاف لک فی الأسوة» و به تحقیق برای تو کافی است که رسول خدا ﷺ را به عنوان الگو انتخاب کنی. (شریف الرضی، ۱۴۱۴ ق، ص ۲۲۶)

حضرت علی علیه السلام می‌فرماید: «فهو إمام من اتقى و بصيرة من اهتدى، سراج لمع ضوئه و شهاب سطع نوره و زبد برق لمعه، سيرته القصد و سنته الرشد و كلامه الفصل و حكمه العدل» پیامبر ﷺ پیشوای کسی است که راه پرهیزگاری را می‌جوید و وسیله بینایی هدایت خواهان است. چراغی است با نور درخشان و ستاره‌ای فروزان و شهابی است که نور آن درخشید. رفتار او میانه‌روی در کار است و شریعت او راه حق را نمودار. سخنش حق را از باطل جدا می‌سازد و داوری او بر اساس عدالت است. (شریف الرضی، ۱۴۱۴ ق، ص ۱۳۹)

امام اول شیعیان علیه السلام در جای دیگر می‌فرماید: «فتأس بنبيك الأطيب الأظهر ﷺ فان فيه أسوة لمن تأسى و عزاء لمن تعزى و أحب العباد إلى الله المتأسى بنبيه و المقتص لأثره» پس به پیامبر ﷺ پاکیزه و پاک خود اقتدا کن؛ زیرا او الگویی است برای کسی که در پی الگوست و مایه شکیبایی است برای کسی که شکیبایی طلبد و محبوب‌ترین بندگان نزد خداوند کسی است که رفتار پیامبر ﷺ را سرمشق خود کند و به دنبال او رود. (شریف الرضی، ۱۴۱۴ ق، ص ۲۲۷)

۲-۲- گذشت از لغزش دیگران

یکی از ویژگی‌های پیامبر اسلام ﷺ این بود که اگر کسی به او بدی می‌کرد از روی گذشت و بزرگواری او را می‌بخشید البته در صورتی که آن بخشش موجب ضایع شدن یکی

از حقوق الهی یا موجب ضایع و تباه شدن کسی که اهل تقوا است نشود یا به صورت ضرورتی برای همگان درنیاید.

امیرالمؤمنین علی علیه السلام در این مورد می فرماید: «لا یقید من احد عشرة» کسی که به او بدی می کرد از روی بزرگواری او را می بخشید. (ابن بایویه، ۱۴۰۳ ق، ص ۸۲ و ۸۸)

۲-۳- تأثیرات تربیتی پیامبر صلی الله علیه و آله نسبت به هم نشینان

امیرالمؤمنین علی علیه السلام نسبت به ویژگی های این افراد می فرماید: «مجلسه مجلس حلم و حیاء و صبر و امانة و صدق» جلسه رسول خدا صلی الله علیه و آله جلسه بردباری، حیا، راست گویی و امانت داری بود.

«لا ترفع فيه الأصوات» هم نشینان رسول خدا صلی الله علیه و آله در سخن گفتن داد و فریاد نمی کردند.

«ولا تؤنب فيه الحرم» در این مجلس حرمت ها شکسته نمی شد.

«ولا تنشی فلتاته» در مجلس اگر کسی مرتکب اشتباهی می شد آن اشتباه پخش نمی شد.

«معتادلین متواصلین فیہ بالتقوی» در مجلس رسول خدا صلی الله علیه و آله همه برابر بودند و به وسیله تقوا خیر خواه همدیگر و باهم ارتباط داشتند.

«متواضعین» هم نشینان حضرت در این مجلس در برابر یکدیگر تواضع داشتند.

«یوقرون الکبیر» به بزرگ سالان احترام می گذاشتند.

«یرحمون الصغیر» به کوچک ترها ترحم می کردند.

«و یؤثرون ذا الحاجة» نیازمند را بر خود مقدم می‌داشتند در کمک کردن یا مطرح کردن خواسته، نیازمند را بر خود مقدم می‌داشتند.

«و یحفظون الغریب» اگر غریبی وارد می‌شد رعایت حال او را می‌کردند.

«إذا تكلم أطرق جلساؤه كأنما على رؤوسهم الطير» هرگاه رسول خدا ﷺ سخن می‌گفت سرها را به زیر انداخته گویی روی سرشان پرنده‌ای نشسته است؛ یعنی با تمام وجود غرق در سخنان پیامبر ﷺ می‌شدند به گونه‌ای که گویا روی سرشان پرنده‌ای نشسته است که اگر سرشان را بلند کنند پرنده می‌پرد.

«فإذا سكت تكلموا» هرگاه رسول اکرم ﷺ ساکت می‌شد آنان شروع به سخن گفتن می‌کردند.

«ولا يتنازعون عنده الحديث» در حضور رسول خدا ﷺ بگومگو و مجادله نمی‌کردند.

«من تكلم أنصتوا له حتى يفرغ» هرگاه در مجلس رسول خدا ﷺ کسی سخن می‌گفت دیگران سکوت اختیار می‌کردند تا سخن او به پایان برسد.

«حدیثهم عنده حدیث أولیهم» در مجلس رسول خدا ﷺ کسی که اول سخن می‌گفت اولویت داشت و دیگران صبر می‌کردن تا سخن او پایان یابد. (مجلسی، ۱۴۰۳ ق، ج ۱۶، ص ۱۵۲ و ۱۵۳)

۲-۴- پیشی دادن صاحبان فضیلت و دین

امیرالمؤمنین علی ﷺ در بیان این ویژگی چنین می‌فرماید: «فكان من سيرته في

جزء الأمة إيثار أهل الفضل ياذنه و قسمه على قدر فضلهم في الدين» روش رسول خدا ﷺ

این بود که در وقتی که به مردم اختصاص داده بود اهل فضیلت را به میزان دین داری آن‌ها مقدم می‌داشت. (ابن بابویه، ۱۴۰۳ ق، ص ۸۱)

۲-۵- اطلاع‌رسانی

پیامبر ﷺ بر کسب اطلاع از مشکلات و نیازهای مردم اهتمام داشت و از دیگران برای اطلاع‌رسانی کمک می‌گرفت. امام علی علیه‌السلام در بیان این ویژگی چنین می‌فرماید: «و أصلح الأمة من مسألته عنهم و إخبارهم بالذی ینبغی لهم و یقول لیبلغ الشاهد الغائب» پرسشگر بود و اطلاعات لازم را به مردم می‌داد و می‌فرمود: حاضران به غائبان برسانند. (طبرسی، ۱۳۷۰ ش، ص ۱۳)

۲-۶- مشکل‌گشایی

پیامبر ﷺ برای حل مشکلات مردم بسیار تلاش می‌کردند بر این اساس کسانی که به‌طور مستقیم مشکلشان را با حضرت در میان می‌گذاشتند مشکلات آنان را حل می‌کرد ولی کسانی که از این امکان برخوردار نبودند از مردم می‌خواست تا مشکلات آنان را به حضرت برسانند.

امام علی علیه‌السلام در مقام بیان این ویژگی می‌فرماید: «فمنهم ذو الحاجة و منهم ذو الحاجتین و منهم ذو الحوائج، فیتشاغل بهم» بعضی از آنان یک خواسته و بعضی دو خواسته و بعضی خواسته‌های متعدد داشتند رسول خدا درصدد حل مشکلات آنان برمی‌آمد. (ابن بابویه، ۱۴۰۳ ق، ص ۸۱)

در جای دیگر حضرت می‌فرماید: «و أبلغونی فی حاجة من لا یستطیع إبلاغ حاجته فإنه من أبلغ سلطانا حاجة من لا یستطیع إبلاغها إیاه ثبت الله قدمیه یوم القیامة» پیامبر ﷺ می‌فرماید: کسی که نمی‌تواند خواسته‌اش را به من برساند خواسته‌اش را به من برسانید.

بدون تردید هر کس خواسته کسی که نمی‌تواند خواهشش را به حاکم برساند، به حاکم برساند خداوند در روز قیامت قدم‌های او را استوار نماید. (طبرسی، ۱۳۷۰ ش، ص ۱۳)

۲-۷- مشارکت دادن دیگران

رسول اکرم در تعامل اجتماعی در حد امکان برخی کارها را به دیگران واگذار می‌کرد. امام علی در این مورد چنین می‌فرماید: «فمنهم ذو الحاجة و منهم ذو الحاجتین و منهم ذو الحوائج، فیتشاغل بهم و یشغلهم فیما أصلحهم» بعضی از آنان یک خواسته و بعضی دو خواسته و بعضی خواسته‌های متعدد داشتند رسول خدا درصدد حل مشکلات آنان برمی‌آمد و دیگران را در آنچه صلاح آنان بود، به حل مشکلات وامی‌داشت. (طبرسی، ۱۳۷۰ ش، ص ۱۳)

۲-۸- پرهیز از بدگویی

پیامبر صلی الله علیه و آله اجازه نمی‌داد در حضور او از کسی بدگویی شود بلکه فقط نقل قول خواسته دیگران در نزد او پذیرفته بود.

امیرالمؤمنین علی علیه السلام در این مورد می‌فرماید: «لا یذکر عنده إلا ذلک و لا یقبل من أحد غیره» نزد او فقط نیازهای دیگران گفته می‌شد و از کسی غیر این را نمی‌پذیرفت. (طبرسی، ۱۳۷۰ ش، ص ۱۳)

۲-۹- دست‌پر برگشتن از نزد حضرت

یکی از ویژگی‌های حضرت این بود که مردم برای خواسته‌های خود به نزد حضرت شرفیاب می‌شدند و با خوشحالی و ذوق‌زدگی و دست‌پر خارج می‌شدند.

امام علی علیه السلام این ویژگی را این طور بیان می فرماید: «یدخلون رؤادا ولا یفترقون الا عن ذواق و یخروجون ادله» مردم برای رسیدگی به حوائجشان بر حضرت وارد می شدند و با خوشحالی و ذوق زدگی درحالی که هدایتگر مردم بودند از نزد حضرت خارج می شدند. (ابن بابویه، ۱۴۰۳ ق، ص ۸۲)

۲-۱۰- گرم گرفتن با مردم

امام علی علیه السلام در این مورد می فرماید: «و یؤلفهم و لا یفرقهم أو قال ولا ینفرهم» با مردم هم نشین می شد و بین آنها الفت ایجاد می کرد و باعث نفرت و دوری آنها نمی شد. (طبرسی، ۱۳۷۰ ش، ص ۱۴)

۲-۱۱- احترام گذاشتن به بزرگان قوم و انتخاب آنان به عنوان سرپرست

امیرالمؤمنین علی علیه السلام این ویژگی را این طور بیان می فرماید: «ویکرم کریم کل قوم و یولیه علیهم» به شخصیت بزرگ و مورد احترام هر قومی احترام می گذاشت و او را به عنوان سرپرست بر آنان انتخاب می کرد. (طبرسی، ۱۳۷۰ ش، ص ۱۳)

۲-۱۲- عنایت داشتن به یاران

حضرت به اصحاب و یاران خود توجه داشت و اگر یکی از آنان را نمی دید جویای حال او می شد. امام علی علیه السلام در مقام بیان این ویژگی می فرماید: «یتفقد أصحابه» از اصحابش جستجو می کرد. (طبرسی، ۱۳۷۰ ش، ص ۱۳) در روایات دیگر، نحوه جستجوگری رسول خدا صلی الله علیه و آله این طور ذکر شده است «کان رسول الله صلی الله علیه و آله إذا فقد الرجل من إخوانه ثلاثة أيام سأل عنه، فان كان غائبا دعا له و إن كان شاهدا زاره و إن كان مریضا عاده» یعنی اگر یکی از برادران دینی خود را سه روز نمی دید از حالش جویا می شد؛ اگر معلوم

می شد که در سفر است برایش دعا می کرد و اگر حضور داشت به دیدنش می رفت و اگر بیمار بود از او عیادت می کرد. (طبرسی، ۱۳۷۰ ش، ص ۱۹)

۲-۱۳- تشویق خوبان و خوبی ها

پیامبر ﷺ از آنچه در جامعه می گذشت باخبر بود به همین خاطر اگر مردم کار خوبی را انجام می دادند آن ها را مورد تشویق قرار می داد تا به آن کار ادامه دهند. امیرالمؤمنین علی ﷺ در این باره می فرماید: «و یسأل الناس عما فی الناس و یحسن الحسن و یقویه» از آنچه بین مردم می گذشت از مردم می پرسید و کار نیکو را تحسین و تقویت می کرد. (ابن بابویه، ۱۴۰۳ ق، ص ۸۲)

۲-۱۴- تقبیح زشتی ها و تحقیر آن ها

اگر مردم عمل زشتی را مرتکب می شدند آن رفتار را مورد سرزنش قرار می داد. امام علی علیه السلام در مقام بیان این ویژگی می فرماید: «و یقبح القبیح و یوهنه» عمل زشت را تقبیح می کرد و آن را خوار می شمرد. (ابن بابویه، ۱۴۰۳ ق، ص ۸۲)

۲-۱۵- عدالت پیشه بودن

پیامبر ﷺ بر اساس عدالت بین مردم داوری می کرد. امام علی علیه السلام در این باره می فرماید: «حکمه العدل» و داوری او بر اساس عدالت است. (شریف الرضی، ۱۴۱۴ ق، ص ۱۳۹)

۲-۱۶- خیرخواهی ملاک ارزش گذاری

کسانی که بیشترین خیرخواهی و کمک را نسبت به مسلمانان داشتند مقربترین افراد در نزد رسول خدا ﷺ بودند و حضرت بیشترین توجه را نسبت به آنان داشت.

امیرالمؤمنین علی علیه السلام در این مورد می‌فرماید: «الذین یلوه من الناس خیارهم، أفضلهم عنده أعمهم نصیحة للمسلمین و أعظمهم عنده منزلة أحسنهم مؤاساة ومؤازرة» بهترین مردمی که در کنار او بودند کسانی بودند که بیشترین خیرخواهی را نسبت به مسلمانان داشته باشند و برترین جایگاه نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله از آن کسانی بود که به بهترین شکل به دیگران یاری و کمک می‌کردند. (ابن بابویه، ۱۴۰۳، ق، ص ۸۲)

۲-۱۷- محروم نکردن افراد

یکی از ویژگی‌های رسول خدا صلی الله علیه و آله این بود که هر کس برای خواسته‌ای نزد آن حضرت می‌آمد خواسته‌اش را برآورده می‌کرد یا با سخن گرم و امیدوارکننده او را روانه می‌کرد. امام علی علیه السلام این ویژگی را چنین بیان می‌فرماید: «من سأله حاجة لم يرجع إلا بها أو بمیسور من القول» هر کس از او تقاضایی داشت، از نزدش بر نمی‌گشت مگر اینکه خواسته‌اش تأمین شده بود، یا با قول مساعد و سخن امیدوارکننده می‌رفت. (ابن بابویه، ۱۴۰۳، ق، ص ۸۲)

۲-۱۸- داشتن رفتاری پدران

پیامبر صلی الله علیه و آله باینکه از طرف بعضی از پیروان خود مورد آزار و اذیت قرار گرفته بود لکن همه امت را فرزندان خود می‌دانست و با آن‌ها رفتاری پدران داشت. امیرالمؤمنین علی علیه السلام در این باره می‌فرماید: «قد وسع الناس منه خلقه و صار لهم أبا رحیما» اخلاق خوش و برجسته او شامل همه مردم می‌شد و او برای آن‌ها پدری مهربان بود. (ابن بابویه، ۱۳۷۸، ق، ج ۱، ص ۳۱۸)

۲-۱۹- اجرای قانون برای همه

با اینکه بعضی در نزد حضرت داری جایگاه خاصی بودند لکن قانون را برای همه یکسان اجرا می‌کرد.

امام علی علیه السلام در این مورد می‌فرماید: «و صاروا عنده فی الحق سواء» همه مردم در مورد حق و اجرای قانون برایش مساوی بودند. (ابن بابویه، ۱۳۷۸، ق، ج ۱، ص ۳۱۸)

۲-۲۰- ناامید نکردن دیگران

کسانی که به امیدی نزد پیامبر ﷺ می‌آمدند آن حضرت آن‌ها را ناامید و مأیوس نمی‌کرد.

امیرالمؤمنین علی علیه السلام در این باره می‌فرماید: «و لا یؤیس منه و لا یخیب فیہ مؤملیه» کسی از او مأیوس نمی‌شد و امیدواران به او نیز ناامید نمی‌شدند. (ابن بابویه، ۱۴۰۳، ق، ص ۸۳)

۲-۲۱- رها کردن بعضی از کارها نسبت به مردم

امام علی علیه السلام در مقام بیان این مطلب می‌فرماید: «و ترک الناس من ثلاث» نسبت به مردم سه کار را انجام نمی‌داد.

«کان لا یذم احدا و لا یعیره» هیچ‌کس را سرزنش نمی‌کرد و کار زشت کسی را به رخس نمی‌کشید.

«و لا یطلب عورته و لا عثراته» در جستجوی لغزش‌ها و اسرار دیگران نبود.

«و لا یتکلمنَّ الاَّ فیما یرجو ثوابه» تنها در موردی سخن می‌گفت که امید به پاداشان داشته باشد. (ابن بابویه، ۱۴۰۳ ق، ص ۸۳)

۲-۲۲- پذیرش ستایش در موارد خاص

امام علی علیه‌السلام در این باره می‌فرماید: «لا یقبل الثناء إلا من مکافی» (ابن بابویه، ۱۴۰۳ ق، ص ۸۳)

دانشمندان اسلامی این جمله را سه گونه تفسیر کرده‌اند.

الف: ستایش را نمی‌پذیرفت مگر از کسی که به‌عنوان تشکر و پاداش انجام می‌داد.

ب: ستایش را نمی‌پذیرفت مگر از مسلمان واقعی و از منافق قبول نمی‌کرد.

ج: ستایش را نمی‌پذیرفت مگر از انسان منصفی که در ستایشش زیاده‌روی یا کوتاهی نمی‌کرد. (ابن اثیر، ۱۳۶۷ ش، ج ۴، ص ۱۸۰)

۲-۲۳- دست نکشیدن هنگام دست دادن

پیامبر ﷺ هنگام دست دادن و مصافحه با دیگری دستش را جدا نمی‌کرد تا آن شخص دستش را جدا کند. امیرالمؤمنین علی رضی الله عنه در این مورد می‌فرماید: «ما صافح رسول الله احدا قط فنزع یده من یده حتی یكون هو الذی ینزع یده» هرگز رسول خدا صلی الله علیه و آله با کسی مصافحه نکرد که دستش را جدا کند تا اینکه آن شخص دست خود را می‌کشید. (مجلسی، ۱۴۰۳ ق، ج ۱۶، ص ۲۳۶)

۲-۲۴- شخصیت تبلیغی پیامبر ﷺ

بااهمیت‌ترین بلکه مهم‌ترین وظیفه^۱ پیامبر ﷺ، ابلاغ رسالت الهی است و به همین خاطر باید از شخصیت تبلیغی ویژه‌ای برخوردار باشد. امیرالمؤمنین علیه‌السلام شخصیت تبلیغی پیامبر ﷺ را این‌گونه بیان می‌فرماید:

۲-۲۴-۱- خیرخواه بودن

پیامبر ﷺ در تبلیغ دین منافع شخصی خود را مدنظر قرار نمی‌داد بلکه منافع مردم و مخاطبان را موردتوجه قرار می‌داد و نسبت به آنان خیرخواهی می‌کرد. امام علی علیه‌السلام در این مورد می‌فرماید: «و نصح للخلق» او خیرخواه مردم بود. (شریف رضی، ۱۴۱۴ ق، ص ۳۰۸)

۲-۲۴-۲- تبلیغ روشن و شفاف

پیامبر ﷺ دستورات خداوند را واضح بیان می‌فرمودند به‌گونه‌ای که ابهامی در آن باقی نمی‌ماند و این‌گونه نبود که اگر یکی از احکام الهی، منافع افرادی را به خطر می‌انداخت آن را بیان نکنند یا به‌گونه‌ای بیان کنند که آن افراد آزرده‌خاطر نشوند. امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام در این مورد می‌فرماید: «فبَلَّغَ الرِّسَالَةَ صَادِعًا بِهَا» رسالت الهی را به‌طور علنی و آشکار تبلیغ کرد. (شریف رضی، ۱۴۱۴ ق، ص ۲۷۰) و در کلام دیگر می‌فرماید: «فصدع بما امر به» آنچه به ان مأمور شده بود علنی و آشکار انجام داد. (شریف رضی، ۱۴۱۴ ق، ص ۳۵۳)

۲-۲۴-۳- حرکت به‌سوی رشد و کمال

مسیر انتخاب‌شده حضرت برای تبلیغ صراط مستقیم بود به همین خاطر مردم را به‌سوی رشد و کمال هدایت می‌کرد. امام علی علیه‌السلام در این مورد می‌فرماید: «و

هدی إلى الرشد» مردم را به سوی رشد و کمال (راه درست در گفتار و کردار) هدایت کرد.
(شریف رضی، ۱۴۱۴ ق، ص ۳۰۹)

۲-۲۴-۴- صدافت در گفتار

یکی از ویژگی‌های پیامبر ﷺ صادق بودن آن حضرت است که در تبلیغ از اهمیت بسیاری برخوردار است و تأثیری عمیق در گرایش مردم دارد. امیرالمؤمنین علی علیه السلام در بیان این ویژگی چنین می‌فرماید: «فدعاهم بلسان الصدق إلى سبيل الحق» مردم را با زبانی صادقانه به راه حق دعوت می‌کرد. (شریف رضی، ۱۴۱۴ ق، ص ۲۰۰)

۲-۲۴-۵- رساندن پیام الهی

آنچه برای رسول خدا ﷺ اهمیت داشت رساندن پیام الهی بود گرچه در این راه آسیب‌هایی نیز می‌دید ولی دست از رساندن الهی بر نمی‌داشت. امام علی علیه السلام در این باره می‌فرماید: «و بلغ رسالات ربه» دستورات پروردگارش را به مردم رساند. (شریف رضی، ۱۴۱۴ ق، ص ۳۵۳)

۲-۲۴-۶- مخاطب شناسی

یکی از مهم‌ترین عناصر تبلیغی مخاطب شناسی است که این ویژگی به‌طور برجسته در رسول خدا ﷺ وجود داشت پیامبر ﷺ همانند طبیبانی نبود که در مطب خود می‌نشینند تا بیمار به سراغ آن‌ها بیاید بلکه او به سراغ بیمار می‌رفت و آن‌ها را مورد مداوا قرار می‌داد.

امیرالمؤمنین علی علیه السلام در این باره می‌فرماید: «طبيب دوار بطبّه، قد احکم مراهمه و احمی مواسمه، يضع ذلك حيث الحاجة اليه، من قلوب عمى و آذان صمّ و السنة بكم، متتبع بدوائه مواضع الغفلة و مواطن الحيرة» او طبیبی بود که در پی مریضان بود مرهم او بهترین

درمان و آنجا که دارو فایده نداشت و می‌بایست محل جراحی را بسوزاند، داغ کردن او سوزان بود. مرهم او بر دل‌هایی بود که از دیدن حقیقت نابینا بودند و گوش‌هایی که از شنیدن حق ناشنوا و زبان‌هایی که از گفتن حق لال بودند. او با داروی خود دل‌هایی را می‌جست که غافل و یا حیران و سرگردان بودند. (شریف رضی، ۱۴۱۴ ق، ص ۱۵۶)

۲-۲۴-۷- تبلیغ روشمند

امام علی علیه‌السلام در مقام بیان این ویژگی رسول خدا می‌فرماید: «دعای الحکمة و الموعظة الحسنة» (شریف رضی، ۱۴۱۴ ق، ص ۱۴۰)

دانشمندان اسلامی دو تفسیر برای این جمله ذکر کرده‌اند: الف: مردم را به حکمت و موعظه نیکو دعوت می‌کرد. (جعفری، ۱۳۷۰ ش، ص ۱۸۸) ب: مردم را به راه خدا با حکمت و موعظه نیکو دعوت می‌کرد. (هاشمی، ۱۴۰۰ ق، ج ۷، ص ۱۱۵) معنای دوم بر مطلب دلالت می‌کند.

نتیجه‌گیری

امام علی علیه‌السلام پیامبر ﷺ را یک شخصیت فوق‌العاده از جهت اجتماعی و فردی معرفی می‌کند که برای الگو بودن کافی است. علی ﷺ عالم‌ترین فرد بعد از پیامبر ﷺ است و غیر از او پیامبر اسلام ﷺ را درست شناخت چنانچه خود حضرت هر دو مطلب را خطاب به آن امام فرمود «یا علی... و لا عرفنی إلا الله و أنت» «ای علی جز خداوند و تو کسی مرا به درستی شناخت» (علی استرآبادی، ۱۴۰۹ ق، ص ۱۴۵) و در جای دیگر می‌فرماید: «أعلم أمتی من بعدی علی بن أبی طالب» «داناترین امت بعد از من علی بن ابی‌طالب است» (ابن بایویه، ۱۳۷۶ ش، ص ۱۳) و این خود یک دلیل بر جانشینی امیرالمؤمنین علی ﷺ است.

فهرست منابع

۱. جعفری، محمدتقی (۱۳۶۸ ش)، ترجمه و تفسیر نهج البلاغه، (بی‌جا)، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ چهارم، ۲۷ جلد.
۲. مرتضوی، سید محمد (۱۳۸۶ ش)، رسول اعظم ﷺ از دیدگاه امام علی علیه السلام، قم، آشیانه مهر، ۱ جلد عربی.
۳. ابن اثیر، مبارک بن محمد (۱۳۶۷ ه. ش)، النهایة فی غریب الحدیث و الأثر، مصحح: محمود محمد طنحی و طاهر احمد زاوی، قم، موسسه مطبوعاتی اسماعیلیان، چاپ چهارم، ۵ جلد.
۴. استرآبادی، علی (۱۴۰۹ ق)، تأویل الآیات الظاهرة فی فضائل العترة الطاهرة، مصحح: استاد حسین ولی، قم، مؤسسه النشر الإسلامی، ۱ جلد.
۵. ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۷۶ ش)، الامالی، تهران، کتابچی، چاپ ششم، ۱ جلد.
۶. ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۷۸ ق)، عیون أخبار الرضا علیه السلام، مصحح: مهدی لاجوردی، تهران، نشر جهان، ۲ جلد.
۷. ابن بابویه، محمد بن علی (۱۴۰۳ ق)، معانی الاخبار، مصحح علی اکبر غفاری، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱ جلد.
۸. شریف الرضی، محمد بن حسین (۱۴۱۴ ق)، نهج البلاغه، مصحح: صبحی صالح، قم، هجرت، ۱ جلد.
۹. طبرسی، حسن بن فضل (۱۳۷۰ ش)، مکارم الاخلاق، قم، الشریف الرضی، چاپ چهارم، ۱ جلد.
۱۰. طوسی، محمد بن حسن (۱۴۱۴ ق)، الامالی، مصحح: مؤسسه البعثة، قم، دار الثقافة، ۱ جلد.
۱۱. مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ ق)، بحار الأنوار، بیروت، دار احیاء التراث العربی، چاپ دوم، ۱۱۱ جلد.
۱۲. محمودی، شیخ (بی‌تا)، نهج السعادة فی مستدرک نهج البلاغه، بیروت، مؤسسه الأعلمی للمطبوعات، (بی‌چا) ۱ جلد.
۱۳. هاشمی خویی، میرزا حبیب‌الله (۱۴۰۰ ق)، منهج البراعة فی شرح نهج البلاغه، مصحح: ابراهیم میانجی، مترجم: حسن حسن‌زاده آملی و محمدباقر کمره ای، تهران، مکتبه الإسلامیة، چاپ چهارم، ۲۱ جلد.